چهره روز

کشف یکی از نقاشی‌های ونگوگ در زیرشیروانی

تابلویی از ونسان ونگوگ به نام«غروب در مونتماژور» که سال‌ها تصورمی‌شد گم شده در اتاق زیر شیروانی در خانه‌یی در نزوز کشف شد. این تابلوی منظره، اولین تابلویی در اندازه بزرگ از ونسان ونگوگ است که از سال ۱۹۲۸ ناکنون پیدا شده است و صحت این تابلو توسط سه متخصص هلندی موزه ونگوگ در آمستردام تایید شده است. از «غروب در مونماژور» روز دوشنبه در جریان ضیافتی در هلند رونمایی شد و اکسل روگر، مدیر موزه، تجربه رونمایی از این تابلو را «اتفاقی که یک بار در زندگی رخ می‌دهد» توصیف کرد. این تابلو در سال ۱۸۸۸ کشیده شده و منظره بکر و زیبای حومه آرله و عمارتی نیمه‌ویران را بر فراز ته مونماژور نشان می‌دهد.نکته‌یی که باعث شگفتی شده این بود که این تابلو در دوران اوج شکوفایی هنری ونگوگ در آرله در جنوب فرانسه کشیده شده، یعنی در زمانی که ونگوگ «خانه زرد» و «گل‌های آفتابگردان» را کشید. تحقیقات جدید نشان می‌دهد این تابلو را اولین بار در سال ۱۹۰۸، صنعتگری به نام کریستین نیکولای موستاد به پیشنهاد پنس‌تیس، مورخ و موزه‌دار – که همان سال مدیر موزه ملی نروژ در اسلو شد – به موزه اسلو معرفی کرد. اما یک اتفاق همچیز را تغییر داد. سفیر فرانسه در سوئد که به دیدن موستاد رفته بود با دیدن تابلو ادعا کرد تابلو یا تقلبی است یا اثر شخصی به غیر از ونگوگ. صنعتگر عصبانی هم تابلو را روانه اتاق زیرشیروانی خانه‌اش کرد و قصه کشف این تابلو در اتاق زیرشیروانی این گونه رقم خورد.

اعتماد

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: الیاس حضرتی
جانشین مدیرمسئول و رییس شورای سیاستگذاری: بهروز بهزادی
سردبیر: جواد دلبری
معاون اجرایی: حجت طهماسبی
مشاور مدیرمسئول: محمدحضرتی
رییس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی
نشانی: خیابان شریعتی، خیابان خواجه عبدالله انصاری، کوچه ۸، پلاک ۱۶
تلفن‌خانه: ۲۲۸۶۴۷۴۱ – ۲۲۸۶۰۲۱۷ نمابر: ۲۲۸۶۲۲۶۵
توزیع: پیام رسان پیروز تلفن: ۳۵– ۶۶۷۲۷۱۳۰ چاپ: نشر روزنامه تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.etemadnewspaper.ir
انتقاد، پیشنهاد، نظرات و مطالب خود را درباره روزنامه اعتماد به نشانی اینترنتی زیر ارسال کنید.
Info@etemadnewspaper.ir
اذان ظهر: ۱۳/۰۱ اذان آفتاب: ۱۹/۱۶ اذان مغرب: ۱۹/۳۴ اذان صبح فردا: ۵/۲۰ طلوع آفتاب فردا: ۶/۲۵

یادداشت اول

دوباره در همان خیابان‌ها

| یوریا دوالفقاری |

هنوز در سینما هیچ اتفاقی نیفتاده است. تازه مدیرانی از راه رسیده‌اند و هر روز خبری از انتصاب‌های جدید در سازمان سینمایی منتشر می‌شود. این سازمان تا رسیدن به مجموعه‌یی هماهنگ برای حل مشکلات بخش خصوصی راه زیادی در پیش دارد. با اطمینان می‌توان گفت هنرمندان، تهیه‌کنندگان و سینماداران و... همچنان درگیر مشکلات پیشین‌اند. اصلا مدیران جدید فرصتی برای حل این معضل‌ها ندانستند. در جلسه‌های زیادی با طیف‌های مختلف سینماگران شرکت کرده و شنونده درد‌های آنها شده‌اند. پس چه اتفاقی افتاده که رنگ و بوی سینما عوض شده است؟ بهروز افخمی و کیومرث پوراحمد پیش‌تولید فیلم‌شان را آغاز کرده‌اند. بهمن فرمان‌آرا در حال انجام آخرین بازنویسی‌های فیلمنامه‌اش برای ساخت آن در پاییز است. مسعود کیمیایی مشغول تدوین فیلمش شده و رضا میرکریمی هم گرفتار روزهای فیلمبرداری است. خبرهایی هم از عزم رخشان بنی‌اعتماد برای فرستادن فیلم قصه‌ها به جشنواره شنیده می‌شود. این سینماگران در هیچ طیف و گروه مشخصی نمی‌گنجند ولی رفتار و گفتارشان به هم‌شبیه‌شده است. سید ضیا هاشمی از جمله تهیه‌کنندگان با حجت‌الله ایوبی راضی بیرون می‌آید و در سوی دیگر سخنان همایون اسعدیان از نشست مشترک اعضای کانون کارگردانان با رییس سازمان سینمایی امیدوارکننده است. بیانیه‌ها کمتر شده و لحن‌شان هم شیاهتی به نوشته‌ها و گفته‌های صادر کننده‌گانش در دو، سه ماه گذشته ندارد. مساله چندان پیچیده نیست. ایوبی فقط و فقط با چند جمله و چند حکم انتصاب، سینماگران را امیدوار کرده است. امیدوار به محو مرز سینماگران خودی و غیرخودی، با صدور دستور ممنوعیت بنیاد فارابی و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی از عقد قرارداد تولید، امکان رونق دوباره بخش خصوصی را فراهم آورده و با گشودن در طلسم‌شده خانه سینما، ثابت کرده شأن خود را می‌شناسد و در این اختلاف، جایگاهی فراتر از یک طرف جدال برای خود قایل است. می‌خواهد در را باز کند و همه سینماگران را برای راگیری دوباره و انتخاب نمایندگانی جدید فرابخواند. همین کسانی که در دو سال گذشته از سنگ‌اندازی در حل این مشکل سخن می‌گفتند، حالا می‌توانند به آرامشی که در پی پیشنهاد ساده ایوبی بر فضای سینما حاکم شده، استناد کنند. شاید اختلاف سینماگران به این زودی حل نشود. شاید کار مجمع عمومی فوق‌العاده‌شان به تکرار جلسات بکشد. ولی دست کم همچیز در محفل خود آنها حل خواهد شد. دیگر نیازی به نامه‌نگاری و پیام‌رسانی‌های رسانه‌یی نیست. چنان که در سخنان ایوبی هم بویی از تصمیم او برای ایجاد تحول نمی‌آید و باور کنید همین خیلی خوب است. چهار سال زمان اختراع دوباره چرخ نیست. ایوبی مشکل خانه‌سینما را خاری کوچک در پای سینمای ایران دانست. این یعنی اعتقاد او به حرکت معقول این سینما. یعنی اعتراف صادقانه‌اش به بی‌نیازی سینماگران از قیمی که برای آنها راه و ریل بکشد. باورش دشوار است اما در دو سال و نیم گذشته، این نخستین تصمیم مدیر ارشد سینماست که نه داد حوزه هنری را درمی‌آورد، نه به لشکرکشی‌های خیابانی می‌کشد. نه بخش خصوصی از آن برمی‌آشوبد و نه فلان اتحادیه و شورا و انجمن احساس نیاز به صدور بیانیه می‌کند. همین روزها بحث شکایت تعدادی از سینماگران از حوزه هنری هم مطرح است. خطر تبدیل شدن خانه سینما به آوردگاه این اختلاف‌ها، به‌شدت احساس می‌شود. رییس سازمان سینمایی تا این جا تمایلش را به سپردن کار سینما به سینماگران اثبات کرده است. با ورود دو یا چندباره او به دعواهای احتمالی در آینده نزدیک و دور، به دشواری می‌توان ثابت کرد بخش اعظم سینماگران در اختلاف‌های سینمایی دو سال گذشتمی تقصیر بوده‌اند.

یک خبر، سه چهره

درهای خانه باز شد

اعتماد | همزمان با ورود ملی سینما، خانه سینما فک یلمب شد و درهای خود را به روی اهالی سینما گشود. یلمب و تعطیلی این نهاد صنفی تبدیل به یکی از جنجالی‌ترین خبرهای دولت دهم بود که حاشیه‌های آن تا حدود دو سال ادامه پیدا کرد. بازگشایی خانه سینما بعد از پرداخت چنین هزینه‌یی چه تاثیری روی بدنه سینمای ایران خواهد گذاشت؟

در خط قانون

| محسن علی‌اکبری |

تهیه‌کننده سینما

خوشحالم که این اتفاق همزمان با روز ملی سینما رخ داد. خانه سینما فک یلمب شد و این اتفاق دیر یا زود با اصلاحاتی که در اساسنامه اعمال شد، می‌افتاد. امیدوارم اصناف دیگر هم هرچه زودتر مراحل ثبت قانونی خود را طی کنند تا شاهد حضور موثر اصناف و برگزاری یک انتخابات کامل و عادلانه در خانه سینما باشیم. چالش اصلی بعد از این و برای خانه سینما حرکت در مدار قانون و تداوم برنامه‌ها و فعالیت خانه سینماست. حقوق هزاران نفر در گروی فعالیت این نهاد صنفی است. اقلا پنج هزار خانوار از سینمای ایران ارتزاق می‌کنند. اهالی سینما به دلیل تولید کم محصولات سینمایی بیشتر اوقات بیکار هستند. خانه سینما باید پیگیری بیمه بیکاری اهالی سینما را در اولویت فعالیت‌های صنفی خود قرار دهد. رفع این مشکل نه تنها به شاغلان عرصه سینما، که به کلیت سینمای ما هم کمک می‌کند. همین اتفاق کوچک یعنی ایجاد امنیت شغلی سینمای ما را تکان خواهد داد. ۳۵ سال از انقلاب گذشته است و این زمان برای ما کافی بود که توانایی‌هایمان را اثبات کنیم. سینمای ما در گیر حاشیه‌ها و مشکلات صنفی زیادی است که همه آنها با یک اراده جمعی قابل حل هستند. ما می‌توانیم، اگر این خانه باز بماند و ساکنانش قانونمند و مدام و کار کنند.

لزوم تشکیلات صنفی

| علیرضا داودنژاد |

کارگردان سینما

به هر حال باید تشکیلات صنفی برای سینما وجود داشته باشد و به رسمیت شناخته شود. بازگشایی خانه سینما به معنای به رسمیت شناختن تشکیلات صنفی اهالی سینماست که از این بابت این بازگشایی برای اهالی سینما خوب است. اما اینکه چه پیش آید خیلی به نحوه بازگشایی خانه سینما ارتباط دارد. اینکه بازگشایی خانه سینما رسمیت تشکیلات صنفی سینما را بپذیرد و به آن رسمیت دهد، خوب است ولی محصول کار بستگی به برنامه‌های بعدی خانه سینما و همچنین نحوه بازگشایی این خانه دارد.

خانه سینما در سال‌های اخیر فرصت نکرده که کار صنفی انجام دهد. کار صنفی به معنای امنیت بخشیدن به سرمایه و سامان دادن به تولید و منطقی کردن توزیع و تقسیم مناسب ظرفیت‌های نمایشی بین سینماگران و مشخص شدن تکلیف ممیزی و تنظیم مناسبات سینما با نهادهای پیرامون است. اینها بخشی از فعالیت‌های صنفی است که خانه سینما بر سر راه دارد و باید انجام دهد. اما همین که خانه سینما به رسمیت شناخته شود، اتفاق خوبی برای سینماگران است.

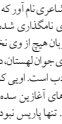

استقلال و تعامل

| محمدعلی نجفی |

کارگردان

خانه سینما راه تازه‌یی پیش رو دارد که باید آگاهانه در آن پا بگذارد تا هم مشکلات اصناف مختلف سینما را حل کند و هم بر کلیت سینمای ایران تاثیر بگذارد. این نهاد صنفی زمانی موثر خواهد بود که با حفظ استقلال خود در تعاملی مستمر و سازنده با ارگان‌های دولتی باشد. در یک مقطع زمانی خانه سینما توانست در این مسیر حرکت کند و به زعم من در آن دوره موثرترین حرکت‌های صنفی در عرصه سینما انجام شد. بحث بیمه‌های درمانی، کمک هزینه‌های خرید مسکن، بیمه از کار افتادگی و حتی بحث‌های مربوط به کفن و دفن... اگر چه خدمات و مبالغ اندکی را شامل می‌شد، اما اتفاق مهمی بود. همین فعالیت‌های ساده و کوچک است که در نهایت تاثیر خود را بر کلیت یک جریان می‌گذارد. اگر خانه سینما بتواند با حفظ استقلال، تعامل موثری با نهادهای دولتی داشته باشد، این خانه به معنای واقعی کلمه مصغی خواهد بود. اتفاقات اخیر که منتج به تعطیلی خانه سینما شد، از جایی آغاز شد که دولت فراتر از نقش خود وارد عمل شد و خانه سینما هم در مقابل حق استقلال خود کوتاه آمد. خانه سینما می‌تواند خانه اهالی سینما و بازوی کمکی دولت در پیشبرد اهدافش باشد.

تیتر مصور | هفتاد و پنجمین سالگرد تولد اردشیر محصص

طرح: علیرضا پاکدل

فلاش بک

| جزیره ارواح گمشده، ارل سی. کنتون، ۱۹۳۳

دکتر مورو|چارلز لاتون: آیا خاتمه عذاب رو فراموش کردین؟
گوینده قوانین|بلالو گوسی: تو اتوما رو تو خونه عذاب ساختی! تو ما رو... چیز ساختی! نه آدم! نه حیوون! نیمی آدم... نیمی حیوون! چیز!

تاکسی نوشت

واقعیت کجاست؟

| سروش صحت |

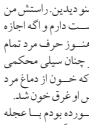

عقب تاکسی نشسته بودم. کنارم مردی حدودا ۳۰ ساله بود. مرد چشم‌های مهربان و خنده‌ای داشت که به شکم برآمده و صورت گردش می‌آمد. کنار او دختر جوانی نشسته بود و بی‌توجه به اطراف کتاب می‌خواند. مرد رو به من کرد و گفت: «پنجشنبه‌ها یادداشت‌ها تو نومی‌خونم».

گفتم: «خیلی ممنون». مرد گفت: «اینا واقعیه؟» گفتم: «بله». مرد گفت: «اونوقت که یه هفته هیچ اتفاقی توی تاکسی نیفته چی می‌نویسین؟» گفتم: «بالاخره جورش می‌کنم». مرد گفت: «الکی که نمی‌شه.» حق با او بود. جوابی نداشتم و لبخند زدم. مرد گفت: «می‌خواین به سوژه برای یادداشت این هفته بهتون بدم؟» گفتم: «لطف می‌کنین.» مرد سرش را نزدیک گوش من آورد و گفت: «من به مدته عاشق این فردی شدم که کنارم نشسته داره کتاب می‌خونه. هرجا میره دنبالش میرم ولی جرات نمی‌کنم بهش بگم... الان دلم رو می‌زنم به دریا همین جا بهش می‌گم. شما همین رو بنو پسین.» پرسیدم «اینجا؟» مرد گفت: «آره» بعد رو به دختر گفت: «خانم قبلا مدیون دیدین. راستش من شما رو خیلی دوست دارم و اگه اجازه بدین می‌خوام...» هنوز حرف مرد تمام نشده بود که دختر چنان سیلی محکمی به صورت مرد زد که خون از دماغ مرد فواره زد و تمام لباس او غرق خون شد.

من که جا خورده بودم با عجله دستمالی از جیبم درآوردم و به مرد گفتم: «سرت رو بگیر بالا» با این دستمال دماغتو نو محکم فشار بدین». مرد گفت: «چرا؟» اثری از خون روی دماغ مرد جوان نبود و دختر هم داشت با آرامش کتابش را می‌خواند انگار نه انگار که اتفاقی افتاده باشد مثل اینکه همه چیز بازی ذهن من بود.

دیگر حرفی نزدم و ساکت نشستم جمعی از دانشجویان تئاتر ایفای نقش کرده‌اند. هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «اوراسیا» (۲۵ تا ۳۰ شهریورماه (۱۶ تا ۲۱ سپتامبر) در شهر آلماتی کشور قزاقستان برگزار خواهد شد. عوامل ساخت «نگران نباش سارا» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: علیرضا امینی، دستیار اول و برنامه‌ریز: علی مهرآسا، طراح صحنه و لباس: محمدیوسف قوچانی، مدیر تولید: عماد نیکویی، صدابردار: علی کیان ارثی، تدوین: حمیدرضا علیقیان، صداگذار: نادر بادامچی، طراح پوستر: مهدی مطلق، روابط‌عمومی: سیدمحمدصادق‌لواسانی، تهیه‌کنندگان: محمدرضا شریفی‌نیا و علیرضا امینی. در این فیلم، الهه حصاری، بهرنگ علوی، سیاوش جعفری، پروین ملکی، خسرو شهراز، شیدا خلیق، الهه شه‌پرست، پیمان مقدمی، دانیال مقدم، سحر عبداللهی و رضا نیلی، با حضور جمعی از دانشجویان تئاتر ایفای نقش کرده‌اند. هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «اوراسیا» (۲۵ تا ۳۰ شهریورماه (۱۶ تا ۲۱ سپتامبر) در شهر آلماتی کشور قزاقستان برگزار خواهد شد.

یادمان

نشسته بر نیمکتی سنگی

| علیرضا دولتشاهی |

فردا، ۱۳ سپتامبر است. در چنین روزی بود که در سال ۱۸۹۴ میلادی در ووج، شهری در میانه لهستانی که هنوز استقلال خویش را باز نیافته بود و هنوز بخشی بود از گستره همسایگان خویش، پسری چشم به دیدار جهان گشود و سال جاری میلادی برابر با هشتادمین سالمرگ اوست. شاعری نام آور که سال جاری میلادی از سوی مجلس لهستان به نام وی نامگذاری شده است: یولیان توویم. شاعری که خوانندهٔ فارسی زبان هیچ از وی نخوانده. اویی که در ادب لهستانی، به ویژه در جمهوری جوان لهستان، در سال‌های میان دو جنگ جهانی از نام‌آوران عرصه ادب است. اویی که در دانشگاه ورشو حقوق و فلسفه خواند. در سال‌های آغازین سده گذشته، دوران ظهور نحله‌ها و گروه‌های ادبی بود. تنها پاریس نبود که کافه‌های ادبی داشت تا گروه‌های ادبی در آنها گرد هم بیایند. ورشو نیز چنین بود و کراکوف هم. گروهی از شاعران جوان لهستانی، به دور شاعرانی نوماتیک جمع شدند. این گروه از شاعران تجربه گرا به ویژه به گرد فرهیختیی جمع شدند که هم احیاگر نگاه سمبولیستی در شعر جنبش لهستان جوان بود و هم از دو دانشگاه ورشو و کراکوف دکترای افتخاری دریافت کرده بود: لئوپولد استاف. توویم و گروهی از شاعران نو جویز در میان این گروه بودند. آنگاه گردهم آمدند و گروهی را سامان دادند. گروهی از شاعران تجربی که در مرزهای مبهم فرانیرومی کردند و راه‌می گشودند. گروهی که نام خود را از رودی در آسیای صغیر به عاریت گرفت: اسکاماندر. نامی که سری در داستان تبای سوفوکل دارد و سری در نمایش نامه اکروپلیس اثر هرمند نامدار جنبش لهستان جوان وسپیانسکی. گروهی که شاید بتوان استاف را پدر معنوی آن نامید. از وسوسه‌های این جمع شکستن رابطه شعر و تاریخ بود. آنان خواهان هبوط شعر از آسمان بر خاک بودند و زیانی را برای سرایش برگزیدند که زبان روزمره مردمان بود. گروهی که تا پایان عمر جمهوری جوان، تا آغاز جنگ دوم جهانی به حیات خود ادامه داد. حیاتی که می‌توان آن را به سه دوره بخش کرد. زایش (۱۹۱۸–۱۹۱۶)، والایش (۱۹۲۸ –۱۹۱۸) و فرسایش (۱۹۳۹ –۱۹۲۸) . توویم کوتاه زمانی پس از آغاز جنگ از طریق رومانی به فرانسه مهاجرت کرد و سرانجام در سال ۱۹۴۲ میلادی پای بر خاک فاره نو گذاشت و تا پایان جنگ ساکن امریکا شد. او برای نشریه لهستانی زبان لهستان نوین که در لندن منتشر می‌شد قلم زد. پس از جنگ به لهستان بازگشت. او که هم دستی در تغزل داشت و هم دستی در حماسه، در ادب لهستان شاعر کودکان نیز شناخته می‌شود. کدام کودک لهستانی امروز است که شعر لوکومتیو او را از بر نباشد. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ مدیر هنری تئاتر نو در ورشو بود. سه سال بعد در زاکوپان در جنوب لهستان درگذشت. اما مجسمه او هنوز در اصلی‌ترین خیابان ووج، شهر زادگاهش، نشسته بر نیمکتی سنگی کودکان را نظاره می‌کند. کودکان امروز و او کودکان فردا را.

تاریکخانه

عقیگرد سیستماتیک!

| شهرام شهیدی |

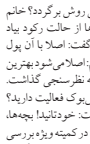

خانم باجی گفت: قدرت خدا هشت سال برگشتیم به عقب. نه ماشین زمان می‌خواست نه فناوری. با همان شعار ما می‌توانیم توانستیم هشت سال عقیگرد کنیم. مهاراجه گفت: صاحب باجی، عقیگرد خوب کرتاهه؟ خانم باجی گفت: بعضی وقت‌ها برای انجام برخی امور دورخیز لازم است. مثلا وقتی می‌خواهی پرش سه‌گام انجام‌دهی باید دورخیز کنی. برای پریدن از موانع و مشکلات مملکت هم یک دورخیز هشت ساله لازم بود. شیخ آفابزرگ گفت: حالا نشانه این عقیگرد چیست؟ خانم باجی گفت: خیلی ساده، نعمت‌زاده و زنگنه و نجفی و اینها کفایت نکرد خانم اینکار و شمخانی هم برگشتند به دولت. انگار شده دولت هشت سال پیش. گفتم: تازه عکس مهاجرانی را بگو که وزیر ارشاد در وزارتخانه نصب کرده. خانم باجی گفت: البته این کار شاید زیاد دوام نداشته باشد. چون وزیر ارشاد بعضی وقت‌ها یک حرفی می‌زند بعد یک حرف دیگری می‌زند کاملا در تضاد با آن. پرسیدم: بنده خدا چی گفته مگر؟ تا الان که خوب کار کرده. خانم باجی گفت: خوب کار کرده درست اما مگر نگفته بود ممیزی پیش از چاپ را بر می‌دارد؟ حالا گفته ممیزی قبل از چاپ حذف نمی‌شود. گفتم: اما من پادم هست گفته بود ممیزی را می‌سپارد دست ناشران. حالا چرا مسائل دیگرش را نمی‌بینید؟ مثلا رفع پلمب شدن از خانه سینما را. خانم باجی گفت: حالا فقط کتاب و سینما که نیست. این همه هنر، با همین کار مطبوعات که با توجه به عدم پرداخت‌هایش نمی‌دانم چرا به آن کار می‌گویند. بیگاری است. گفتم: اتفاقا محمد قوچانی گفته نگاه معاون مطبوعاتی به مطبوعات نگاهی سیستماتیک است. شیخ آفابزرگ پرسید: چی چی ماتیک؟ گفتم: سیستماتیک. شیخ آفابزرگ گفت: آهان! اینها که کار سیستماتیک بلدند یک سیستمی را بیندازند بزای دو میلیارد دلار! پول نفتی که زنگنه گفته بایک زنجانی به خزانه بازگرداند. گفتم: اتفاقا یک کمیته‌ویژه تشکیل شده برای بازگرداندن این پول. خانم باجی گفت: از آن کمیته قبلی‌هاست یا نه؟ یعنی نتیجه تحقیقات و تصمیمات‌شان دو هزار سال بعد معلوم می‌شود یا زودتر؟ شیخ آفابزرگ گفت: اگر این دو میلیارد دلار را پس گرفتند، می‌شود بدهد به فدراسیون فوتبال! روی تیم ملی را برگزار کند که کی روش برگردد؟ خانم باجی گفت: نه بابا. بدهند به این پروژه‌ها از حالت رکود بیاد بیرون مردم بیکار نشوند. شیخ آفابزرگ گفت: اصلا با آن پول می‌شود دار و... پریدم وسط حرفش و گفتم: اصلا می‌شود بهترین راه هزینه کردن این پول را در فیس‌بوک به نظرسنجی گذاشت. صدای ناشناسی پرسید: مگر شما در فیس‌بوک فعالیت دارید؟ همه با هم گفتیم: نه! صدای ناشناس گفت: خودتانید! بچه‌ها، اعضای آتلیه را هم به سیاهه افرادی که باید در کمیته ویژه بررسی صفحات فیس بوک بررسی شوند، اضافه کنید. خانم باجی گفت: ما که دولتی نیستیم. از لحظه‌یی که این را گفته آتلیه شده شبیه استان تهران. چون طرح تقسیم آتلیه به سه بخش هم مثل تقسیم استان تهران در دستور کار قرار گرفته.

Shahraam_shahidi@yahoo.com

خبر آخر

فیلمی از علیرضا امینی در جشنواره اوراسیا

فیلم «نگران نباش سارا» علیرضا امینی به بخش مسابقه جشنواره «اوراسیا» راه یافت. فیلم تجربی علیرضا امینی در نخستین حضور بین‌المللی خود توانست به جمع فیلم‌های بخش مسابقه بین‌الملل هشتمین جشنواره فیلم «اوراسیا» در قزاقستان راه یابد. در این بخش، «نگران نباش سارا» با فیلم‌های «شرم» از روسیه، «محبت» از قرقیزستان، «عسل» از ایتالیا، «شکوفایی» از گرجستان، «وایلد» از عربستان سعودی، «برادر کوچک» از قزاقستان، «هنری» از فرانسه، «ژاپاندوه» از تاجیکستان، «دایره» از سنگاپور و فیلم دیگری از ترکیه رقابت خواهد کرد. در میان هیات داوران جشنواره «اوراسیا»، نام «جین کمپیون» از نیوزلند به عنوان اولین کارگردان زن برنده نخل طلا و برنده شیر نقره‌یی جشنواره «نیز (۱۹۹۰) و اسکار (۱۹۹۴) دیده می‌شود. همچنین در کنار وی، برینلت مندوزا کارگردان فیلمبردار و تهیه‌کننده فیلیپینی، دیوید هرولد فرانزونی فیلمنامه‌نویس فیلم‌های «گلادیاتور» و «شاه آرتور»، فیلیپ جیلاد و امیر بایگازیین برنده جایزه افتخاری خرس نقره‌یی شصت و سومین جشنواره برلین از قزاقستان، آثار را داوری خواهند کرد. هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «اوراسیا» (۲۵ تا ۳۰ شهریورماه (۱۶ تا ۲۱ سپتامبر) در شهر آلماتی کشور قزاقستان برگزار خواهد شد. عوامل ساخت «نگران نباش سارا» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: علیرضا امینی، دستیار اول و برنامه‌ریز: علی مهرآسا، طراح صحنه و لباس: محمدیوسف قوچانی، مدیر تولید: عماد نیکویی، صدابردار: علی کیان ارثی، تدوین: حمیدرضا علیقیان، صداگذار: نادر بادامچی، طراح پوستر: مهدی مطلق، روابط‌عمومی: سیدمحمدصادق‌لواسانی، تهیه‌کنندگان: محمدرضا شریفی‌نیا و علیرضا امینی. در این فیلم، الهه حصاری، بهرنگ علوی، سیاوش جعفری، پروین ملکی، خسرو شهراز، شیدا خلیق، الهه شه‌پرست، پیمان مقدمی، دانیال مقدم، سحر عبداللهی و رضا نیلی، با حضور جمعی از دانشجویان تئاتر ایفای نقش کرده‌اند. هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «اوراسیا» (۲۵ تا ۳۰ شهریورماه (۱۶ تا ۲۱ سپتامبر) در شهر آلماتی کشور قزاقستان برگزار خواهد شد.

ثبت تاریخ

عکس: IAP

عکاسان جنگ در جنگ با مرگ

عکسی که می‌بینید، تصویری از عکاسان و خبرنگارانی است که برای عکاسی و ثبت لحظه‌های تلخ جنگ، هنگام بمباران یکی از شهرهای لیبی توسط هواپیماهای ارتش در شرایط بین مرگ و زندگی می‌دوند. در لیبی، سوریه، ترکیه، هوا و هر کجای این کره خاکی که درگیر جنگی نابرابر است، هر کجا که فضای خشونت در جنگ حکمفرماست، هر کجا که صدای شیون زنان و کودکان به هوا می‌رود، این عکاسان و خبرنگاران هستند که لحظه‌های سخت جنگ را ثبت می‌کنند و این ثبت لحظه‌های تلخ هرگز خالی از مرگ برای آنان نیست. عکاسان و خبرنگاران در کنار تمام زنان و مردان و کودکانی که برای زنده ماندن تلاش می‌کنند، برای ثبت واقعیت و اخبار جنگ زندگی می‌کنند و بسیاری اوقات می‌میرند. آنها در واقع پیامبران راستین واقعیت امروز ما هستند که سعی در بازتاب واقعیت به آن شکلی که هست، دارند. سازمان گزارشگران بدون مرز با انتشار آمار مربوط به خبرنگاران و عکاسانی که در سال ۲۰۱۲ کشته شدند این سال را مرگ‌ترین سال برای خبرنگاران از سال ۱۹۹۵ دانست.

گردون

گذری به باروک، سرچشمه زیبایی

| فهیم سیل‌سپور |

آنسامبل سل با سه ویولن، یک ویولا، پیانو، درام و تامبورین در بعدازظهر ۱۴ شهریور ماه با همکاری خانه موسیقی ایران و با سرفصل باروک و موسیقی میزبان دوستانش در خانه هنرمندان بود. سل به دنبال انتشار چهار دهمین آلبومش که با عنوان طلوع رنگ‌ها موسیقی را دستمایه‌یی قرار داد تا باری دیگر روح عاشق و آشفته آدم را به حرکت وادارد. در آستانه تغییر فصلی دیگر، باز حرکت را به یادمان آورد. «آدم‌ها هر کدام برای خودشان داستانی دارند تا در جریان به حقیقت پیوستن آن متقاعد شوند که دست‌کم یک‌بار در این میان به سرچشمه زیبایی گذری خواهند داشت. کم زندگی شهامت می‌خواهد و خواهش. بی‌پایان است. که زندگی مجموعه‌یی از فصل‌هاست و پایان هر فصل، اوج‌گیری است و حل تضادها. که هدف، خود تضاد نیست بلکه توانایی دست انداختن به گریبان آن و آغاز با قدرت فصل بعدی است، همه می‌دانند که باروک مجالی بود برای تشبیه، مجاز، کنایه و استعاره. ابهام، تظاهر، تفاخر و تناسخ. تا آدم‌ها را مسخ کند و دوباره جسمیت ببخشد. آن هم در واقعیت محض که این همان مورد اید «سیقل نیافته»یی است که حتی لحظه‌یی از حرکت باز نایستاد. باروک توصیف زیبایی حرکت در حرکت است. سل آن روز حرکت را با باخ آغاز کرد تا شنونده را بدون هیچ سخنی متقاعد کند که محدودیت‌ها و قرار و مدارهای مرسوم تا پیش از آن زمان در عالم موسیقی را به کناری نهاده و او را به عالمی می‌کشاند که در آن از حد و مرز نشانی نیست. از او سوییت ارکسترال شماره سه باخ با بافتی چند صدایی و هارمونیک دو مین نشان باروک در این اجرا بود و دقایقی بعد از آن یکی از آثار به نام فیوکوی بلژیکی در فرم آلگرو روند تغییر را که درون ماده باروک است به نمایش گذاشت. شاید تالار موسیقی در روزگار ما به جدا شدن موسیقی از زندگی، احساس و اندیشه کمک کرده ولی ساعتی کوتاه با این اجرا عرصه پیکار اندیشه و تضاد بود. ویوالدی و ارانچینی از دیگر مدعیان این برنامه بودند که تعدد و تکرار تم‌ها در قطعاتی که از آنها به گوش رسید یادآور این بود که تکرار جزییات، همان زندگی است. سل دومین قسمت اجرا را با باخ‌خوانی نام هندل آغاز کرد و همراهی درام و تامبورین، پژواک اجرای او بود تا خواننده در فضایی سنگین از رفت و آمد آرشه‌ها و ضربه‌های پی در پی کلیدهای پیانو تکرار جزییات را در حرکت مداوم تجربه کند. در قطعه بعدی از ژان فیلیپ رامو ضربه‌های ریز و موج تامبورین که سازها را همراهی می‌کرد شاید یادآور زینت ظاهر بورژوازی آن دوره فرانسه بود که وجودداشت ولی در جریان امواج ساختارشکن باروک که فضای غالب بود، چارهیی جز حرکت نیافت. اما آدالجیو از آلبینونی این بار با دید گاه متفاوت سل در نواختن سازهای زهی برای تداعی کر، فرصتی بود تا نوای سازها را حرکتی نافذ عظمت حرکت را نشان داده در ضربه‌های مداوم، شنونده را به ویراویری با روزمرگی فراخواند. نایستاد باروک توصیف زیبایی حرکت در حرکت است. سل آن روز حرکت را با باخ آغاز کرد تا شنونده را بدون هیچ سخنی متقاعد کند که محدودیت‌ها و قرار و مدارهای مرسوم تا پیش از آن زمان در عالم موسیقی را به کناری نهاده و او را به عالمی می‌کشاند که در آن از حد و مرز نشانی نیست. از او سوییت ارکسترال شماره سه باخ با بافتی چند صدایی و هارمونیک دو مین نشان باروک در این اجرا بود و دقایقی بعد از آن یکی از آثار به نام فیوکوی بلژیکی در فرم آلگرو روند تغییر

آنسامبل سل با سه ویولن، یک ویولا، پیانو، درام و تامبورین در بعدازظهر ۱۴ شهریور ماه با همکاری خانه موسیقی ایران و با سرفصل باروک و موسیقی میزبان دوستانش در خانه هنرمندان بود. سل به دنبال انتشار چهار دهمین آلبومش که با عنوان طلوع رنگ‌ها موسیقی را دستمایه‌یی قرار داد تا باری دیگر روح عاشق و آشفته آدم را به حرکت وادارد. در آستانه تغییر فصلی دیگر، باز حرکت را به یادمان آورد. «آدم‌ها هر کدام برای خودشان داستانی دارند تا در جریان به حقیقت پیوستن آن متقاعد شوند که دست‌کم یک‌بار در این میان به سرچشمه زیبایی گذری خواهند داشت. کم زندگی شهامت می‌خواهد و خواهش. بی‌پایان است. که زندگی مجموعه‌یی از فصل‌هاست و پایان هر فصل، اوج‌گیری است و حل تضادها. که هدف، خود تضاد نیست بلکه توانایی دست انداختن به گریبان آن و آغاز با قدرت فصل بعدی است، همه می‌دانند که باروک مجالی بود برای تشبیه، مجاز، کنایه و استعاره. ابهام، تظاهر، تفاخر و تناسخ. تا آدم‌ها را مسخ کند و دوباره جسمیت ببخشد. آن هم در واقعیت محض که این همان مورد اید «سیقل نیافته»یی است که حتی لحظه‌یی از حرکت باز نایستاد. باروک توصیف زیبایی حرکت در حرکت است. سل آن روز حرکت را با باخ آغاز کرد تا شنونده را بدون هیچ سخنی متقاعد کند که محدودیت‌ها و قرار و مدارهای مرسوم تا پیش از آن زمان در عالم موسیقی را به کناری نهاده و او را به عالمی می‌کشاند که در آن از حد و مرز نشانی نیست. از او سوییت ارکسترال شماره سه باخ با بافتی چند صدایی و هارمونیک دو مین نشان باروک در این اجرا بود و دقایقی بعد از آن یکی از آثار به نام فیوکوی بلژیکی در فرم آلگرو روند تغییر

***باروک به معنی مروارید صیقل نیافته است.**